



درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی از منظر فقه و دین اسلام

پدیدآورنده (ها) : ارجمندی فرد، منصوره

حقوق :: نشریه حقوق ملل :: پاییز ۱۳۹۲ - شماره ۱۱

صفحات : از ۴۷۳ تا ۴۹۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1743620>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۵/۰۳/۱۱

کاربر گرامی، فایل دائلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- حقوق شهروندی از دیدگاه حضرت علی (ع)
- بررسی چالش‌ها و موانع فراروی تحقق حقوق شهروندی و یافتن راهکارهای عملی در نظام حقوقی ایران
- حقوق شهروندی (نوشته: عماد افروغ)
- درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام
- دخالت دولت در حریم خصوصی افراد در حقوق شهروندی
- حقوق شهروندی در فرآیند عدالت کیفری ایران
- پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی
- ماهیت و مفهوم‌شناسی حقوق شهروندی در آموزه‌های دینی اسلام؛ شناخت و تبیین
- فقه و حقوق شهروندی
- تحلیل زمینه‌های حقوق شهروندی در نهج البلاغه
- مبانی دینی حقوق شهروندی
- بررسی نقش روش تنبیه مجرم از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه در جهت تحقق دادرسی عادلانه حقوق شهروندی

عناوین مشابه

- درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی از منظر فقه و دین اسلام
- درآمدی بر مفهوم، مبانی و انواع حقوق شهروندی در اسلام
- بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری جنگ از منظر مبانی ارزشی و آموزه‌های دین مبین اسلام
- مبانی حاکم بر معامله با حق استرداد و بیع شرط از منظر فقه اسلامی، حقوق ایران و مصر
- درآمدی بر نقش جنسیت در شهادت دادن دعاوی مالی از منظر فقه و حقوق
- نقش قاعده لاضرر در اثبات خیار غبن و تأثیر آن بر بهبود حقوق شهروندی از منظر فقه اسلامی
- تحلیل عدالت محوری و نظم‌گرایی و آثار آن در دادرسی کیفری از منظر فقه جزایی اسلام و حقوق کیفری با تأکید بر فقه حکومتی امامیه
- درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی از منظر فقه و دین اسلام
- بازپژوهی لزوم رفع جهل و غرر از «مورد معامله» و مبانی آن از منظر فقه و حقوق
- تأثیر اکراه بر عنصر معنوی در قتل از منظر فقه و حقوق

درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی از منظر فقه و دین اسلام

منصوره ارجمندی فرد*

چکیده

برای تداوم حیات انسان در زمین، و حفظ روابط اجتماعی و سیاسی انسانها، شناخت حقوق و رعایت آن ضروری است. حقوق شهروندی منعکس‌کننده آرمان جهانی عدالت و جامعه‌ای است که در آن هر انسانی بتواند از زندگی شرافتمندانه‌ی همراه با صلح، امنیت و رفاه برخوردار گردد. و این حقوق همزاد با پیدایش انسان بوده و با وجود او به وجود آمده است چرا که انسان موجودی است که کرامت ذاتی را از آفریدگار خویش به ارمغان گرفته است. این پژوهش با عنوان «حقوق شهروندی از منظر اسلام» درصدد شناخت حقوق طبیعی انسان در دین اسلام است که بسیار گسترده‌تر از حقوق طبیعی مطرح در مکتب‌های غربی است. از دیدگاه اسلام و قرآن، آفرینش جهان دارای غایت است و این غایت همان کمال انسان است و رسیدن به این هدف نیازمند برآورده ساختن خواسته‌های طبیعی و جسمانی است. چرا که تکامل شایسته انسان هنگامی کاملاً تحقق پیدا می‌کند که در درون جامعه‌ای سالم و متناسب با کرامت و شخصیت خود زندگی کند. مقاله حاضر به بررسی مبانی حقوق شهروندی از منظر فقه و دین اسلام می‌پردازیم. روش تحقیق به صورت رویکرد نظری و تحلیلی و کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، شهروند، عدالت، فقه، اسلام

* دانشجوی دکتری و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور (fard@chmail.irarjomandi)

مقدمه:

حقوق شهروندی از مباحث و مطالب مهمی است که به طور گسترده ای به عدالت و مساوات توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه ای پیدا کرده است. مقوله « شهروندی » هنگامی در یک جامعه تحقق می یابد که همه اعضای آن جامعه از تمامی حقوق مدنی و سیاسی برخوردار بوده، در حوزه های مختلف مشارکت داشته و در برابر حقوقی که دارند، وظایف و مسئولیت هایی را در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده

بگیرند. حقوق شهروندی به منظور ایجاد توازن در شخصیت، آسایش خاطر و اجتناب از مورد سوء استفاده قرار گرفتن و نادیده گرفته شدن انسانی توسط دیگران، بسیار حیاتی می باشد. و انتخابها، رفتار، ارزشها و نیازهای مشروع و به حق انسانها را روشن می گرداند. هیچ اهمیتی ندارد که انسانها در چه سن و سال و موقعیتی باشند، همه افراد ارزشمند و قابل احترام می باشند. آگاهی یافتن از حقوق شهروندی کمک می کند تا ما از عقاید کهنه و باز دارنده و غیر سازنده پیشینیان رهایی یافته و زندگی را پربارتر، منطقی تر، و هدفمندتر پیش ببریم. انسان دارای دو بعد است بعد مادی و معنوی. و موجودی که دو بعد دارد تکالیفی نیز بر او واجب می شود که در جهت رشد و تکامل اوست. اگر در کاری مفسده است، خداوند انسان را از آن عمل نهی می کند، و اگر در کاری خیر وجود دارد انسان را به انجام آن ترغیب می کند. پس تمامی دستورات باری تعالی، همه اش در جهت رقاء و تکامل انسان است. از آنجایی که انسان موجود عقلانی است عقل حکم می کند که اشرف مخلوقات دارای حقوق فردی و عمومی باشد. و حقوق شهروندی همان رفتار مدنی، ادب و ملاحظه و نوع دوستی و وظیفه شناسی است حقوق شهروندی در خصوص مواردی مطرح گردیده و بحث

خواهد کرد که در آن موارد دولت یا حکومت ملزم است که سلطه شهروند خود را به رسمیت بشناسد و آن موارد را رعایت کند. فهرستی از حقوق بشر یا حقوق شهروند در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل ذکر گردیده که مهمترین آنها عبارتند از: حق حیات، آزادی، مسکن، برابری، عدالت و دادخواهی عادلانه، حفاظت در مقابل سوء استفاده از قدرت، حفاظت در مقابل شکنجه، حفاظت از شرافت و غیره. اندیشمندان اسلامی نیز در کنفرانس بین المللی متفکران اسلامی در سپتامبر ۱۹۸۱، برابر

درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی از منظر فقه و دین اسلام ■ ۴۷۵

با شهریور ۱۳۶۰، اعلام نمودند که اسلام از همان آغاز بالغ بر ۲۰ حق از حقوق بشری را روشن و آگاهانه بر شمرده است؛ حقوقی نظیر حق حیات، حفاظت در مقابل تهاجم و آزار و اذیت، حق امنیت اجتماعی، حق کار و... تعدادی از حقوق فطری و ذاتی بوده و بعضی از آنها قراردادی هستند. مثلاً حق حیات و آزادی حقوقی هستند که همراه انسان همیشه وجود داشته‌اند و منحصر به دیروز و امروز نبوده و نیست و مواردی مانند حقوق کارگر و کارفرما یا حقوق تجارت و حق تعلیم و تربیت قراردادی هستند؛ اما از لحاظ رعایت حقوق نمی‌توان فرقی قائل شد و باید تمامی حقوق را محترم شمرد.

ضرورت و اهمیت تحقیق:

اهمیت و جایگاه حقوق شهروندی در نظام بین‌المللی و ارتباط متقابل این مفهوم با فقه از مسائل و دغدغه‌هایی است که محور بحث بسیاری از جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران اجتماعی و علمای دین و دولت مردان می‌باشد.

پیشینه حقوق شهروندی در ایران:

سابقه اصطلاح حقوق شهروندی یا حقوق بشر در کشور ما به حدود یکصد سال پیش بر می‌گردد. از زمان ایجاد تمدن در ایران، از احترام به حقوق شهروندان به معنی آنچه امروز مدنظر است، خبری نیست. رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندان از سوی دستگاه حاکم از آغاز انقلاب مشروطه شروع شده و بتدریج گسترش یافته و تا به امروز - هر چند به کندی - نیز با روند رو به رشد ادامه داشته و هیچ‌گاه متوقف نشده است. بنا بر این با انتخاب اصطلاح "احیای حقوق شهروندی" برای موضوع مقاله موافق نیستم؛ زیرا در کشور - چه به صورت کلی و چه به صورت خاص مثلاً در دستگاه قضایی - در طول یکصد سال گذشته هم از حقوق شهروندی بحث شده است، اما هیچ‌گاه این حقوق به صورت کامل رعایت نشده و مردم حقوقشان را از سوی دستگاه حاکم نگرفته و به آن نرسیده‌اند، تا احساس شود زمانی در کشور این حقوق شهروندی به صورت کامل به مردم اعطا شده و زمانی از رعایت آن سرباز زده شد و ما امروز احیا کننده زمانی باشیم که رعایت حقوق شهروندی در ایران در حد کامل بوده است. با مثالی ساده نامناسب بودن ترکیب "احیای حقوق شهروندی" را بیشتر روشن می‌نمایم:

زمانی در دستگاه قضایی کشور ما سیستم داسرا فعال بود و زمانی بعد، این سیستم مطرود و منسوخ گردید، حال که دوباره به آن روش اعتماد کرده‌ایم، اصطلاح "احیای داسرا" را به کار می‌بریم؛ زیرا سابقه ذهنی و تاریخی ما از وجود سیستم داسرا در گذشته خبر می‌داد که به دنبال آن بوده ایم. آیا زمانی در کشور ماریت حقوق شهروندان به صورت کامل مورد توجه بوده و مردم و شهروندان از سوی دستگاه حاکم یا یکی از قوای ۳ گانه آن مورد احترام کامل واقع شده و زمانی آن حقوق به فراموشی سپرده شده که ما ادعا کنیم می‌خواهیم حقوق شهروندان را احیا کنیم، اگر منصفانه قضاوت شود جواب منفی است. در اصطلاح پزشکی و بیمارستانی نیز وقتی انسان زنده ای به حالت بیهوشی یا کما می‌رود، اقداماتی که برای بازگرداندن بیمار به زندگی و به حالت اولیه انجام می‌شود، به احیا تعبیر می‌گردد و به این اقدامات احیا یا زنده کردن می‌گویند. اما باید پذیرفت حقوق شهروند در ایران در هیچ زمانی سر حال و سر زنده و پویا نبوده که زمانی نیم زنده شده و ما بخواهیم آن را احیا کنیم. آنگونه که می‌دانیم ما حقوق شهروندی را، پس از یک دوره دراز مدت رکود در تمام جوانب زندگی و تمام زمینه‌ها و باکنار گذاشتن حکومت سلطنتی به کشور وارد کردیم و همزمان عده ای از بزرگان روحانی خواستار اعطای حقوق بیشتری از سوی دستگاه حاکم به مردم شدند که از جمله آنها ایجاد عدالتخانه و پس از چندی تأسیس مجلس شورای ملی، که گام‌های مهمی در جهت مطالبه حقوق شهروندان ایران بوده است، را می‌توان نام برد که همین ایجاد عدالتخانه توان دستگاه حاکم را از نظر تعدی به مردم کم کرد و در واقع قضاوت مردم از وضعیت سلیقه ای به وضعیت قانون مند تبدیل شد. با این توضیحات اصطلاح "شناخت و رعایت حقوق شهروندی" یا "بررسی حفظ و احترام حقوق شهروندی" را مناسب تر از اصطلاح احیاء حقوق شهروندی می‌دانم؛ زیرا اعتقاد دارم هنوز حقوق شهروندان به طور کامل در جامعه شناخته نشده تا بتوان آن حقوق را مدنظر قرارداد و بجا آورد. بنابراین نخستین مرحله، شناخت حقوق شهروندان است به صورت عام و پس از آن به صورت خاص اجرای آن در قوه قضاییه. اگر تعریف درستی از حقوق شهروندان به صورت کلی وجود نداشته باشد، نمی‌توان تعریف درستی از آن در جزئی از جامعه ارائه کرد و به سوی آن هدف مطلوب حرکت کرد. در واقع کل جامعه و جزئی از آن باهم رابطه مستقیم دارند، بدین معنی که اگر ما

حقوق شهروندان در هر جامعه را به صورت کلی بشناسیم و آن را بجا آوریم، در اجزای جامعه و در نهادهای مختلف نیز آن را رعایت کرده ایم و اگر در جزئی از جامعه آن را محترم بشماریم، یقیناً به معنی محترم شمردن حقوق شهروندان در کل جامعه است. بنا براین باید رعایت حقوق شهروندان در محور قضایی را در رابطه مستقیم با کل جامعه مورد بررسی قرار داد. بدون توجه به کل جامعه و حقوق شهروندان آن نمی توان در خصوص این موضوعات فقط در محور قضایی بحث کرد؛ ولی همان گونه که بیان شد می توان با شناخت حقوق شهروندان و رعایت حقوق آنان در دستگاه قضایی، آن را به تمام جامعه تسری داد. البته لازم می دانم به این نکته اشاره کنم که بحث حقوق شهروندان بسیار گسترده تر از بحث تکریم ارباب رجوع و حقوق وی است و نباید این دو را با هم یکی دانست. ارباب رجوع کسی است که به دستگاه قضایی برای حل مشکلیش مراجعه می کند، یا شاکی است یا متشاکی و شامل همه شهروندان نیست کرد؛ زیرا همه افراد خواه ارباب رجوع دستگاه قضایی باشند یا نباشند شهروند محسوب خواهند شد و حقوقی دارند که باید همه قوا از جمله قوه قضاییه آن حقوق را محترم بشمارند. (۱)

پیشینه حقوق شهروندی در اسلام:

به خاطر وجود حکومت‌های سلطنتی در ایران، با وجود برخورداری مردم از دین اسلام و مذهب تشیع، ملت ما نزدیک به یکصد سال به دنبال حقوق شهروندی خود هستند، در حالی که دین و مذهب ما حاوی نکات بسیار زیادی در خصوص حقوق شهروندان است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است و اگر به آنها توجه شود آنگاه برای ما و دیگر ملت‌ها این نکته بارزتر خواهد بود که قبلاً در فرمایشات امام علی (ع) چه نکاتی از حقوق بشر و شهروند مدنظر قرار گرفته و می توانیم مدعی شویم حقوقی که دیگران قائل به شناخت آنها شده‌اند، ما بیش از یک هزاره قبل، در تعالیم خود داشته و برای مردم به رسمیت شناخته شده می دانسته ایم. مصداق بارز این گفته در یک جمله از امام علی (ع) در نامه اش به مالک متبلور است و دلیلی بسیار محکم برای این گفته است. آنجا که می فرماید: "قلب خود را از مهربانی و دوستی و لطف بر مردمان لبریز ساز و مبدا نسبت به آنان چون جانور درنده آزار کننده باشی که خوردنش را غنیمت

شماری، زیرا مردم ۲ دسته اند، دسته ای برادر دینی تواند و گروهی دیگر در آفرینش با تو همانند" با دقت می توان تمام حقوق شهروند را از این جمله امام علی (ع) استخراج کرد که مردم یا با تو برادر دینی هستند یا در آفرینش با تو یکسانند و باید پذیرفت عین حقوق بشر را ترسیم نموده است. استاد مطهری در این باره می نویسد: "در نهج البلاغه از حقوق واقعی توده مردم و موقع شایسته و ممتاز آنها در برابر حکمران و این که مقام واقعی حکمران، امانت داری و نگهبانی حقوق مردم است غفلت نشده؛ بلکه سخت بدان توجه شده است. در منطق این کتاب شریف، امام و حکمران امین و پاسبان حقوق مردم است و مسؤول در برابر آنهاست. واژه رعیت با وجود مفهوم منفوری که تدریجاً در زبان فارسی به خود گرفته است، مفهوم زیبا و انسانی داشته است. استعمال کلمه راعی را در مورد حکمران و کلمه رعیت را در مورد توده مردم اولین مرتبه در کلمات رسول اکرم (ص) و سپس به وفور در کلمات علی (ع) می بینیم. این لغت از ماده «رعی» است که به معنی حفظ و نگهبانی است، به مردم از آن جهت کلمه «رعیت» اطلاق شده است که حکمران عهده دار حفظ و نگهبانی جان و مال و حقوق و آزادی های آنهاست" در قرآن کریم نیز حقوق انسانها بسیار محترم است آنجا که خداوند می فرماید: "لقد کرما بنی آدم؛ ما به فرزندان انسان کرامت بخشیدیم" وقتی که خداوند انسان را محترم می شمارد، قطعاً برای او حقوقی قائل است، وقتی که حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) نیز در خصوص انسان و شهروند به احترام سخن می گویند؛ پیداست که چه وظیفه و تکالیف سنگینی بر دوش ما قرار دارد تا حقوق انسانها و شهروندان را محترم بشماریم و آنها را ادا کنیم.

احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و وظایف قوه قضاییه در این خصوص:

بی گمان کشف و تعقیب جرایم بایستی با دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد؛ زیرا در زمینه کشف و تعقیب در بسیاری موارد ممکن است کشف و تعقیب جرم به هتک حرمت افرادی به غیر از مظنونین بینجامد، در حالی که حرمت انسان را به خاطر تعقیب مظنون دیگر نمی توان درید و از بین برد. بازداشت نیز با توجه به این که مخالف حق آزادی انسان است، باید با دقت و علم کافی انجام گیرد؛ زیرا پس از

بازداشت فرد، حق آزادی که حقی است بالفطره و ذاتی سلب خواهد شد. پس کسی که انسانی را بدون دلیل کافی بازداشت می‌نماید، در واقع هیچ شناختی از حق آزادی و این که خداوند انسان را آزاد آفریده است ندارد. اعمال سلیقه شخصی و سوء استفاده از قدرت باعث هرج و مرج در دستگاه قضایی و پس از آن در کل جامعه خواهد شد. قطعاً قانون برای هر فرد وظایفی مشخص نموده که در چارچوب آن می‌توان با مظنون برخورداری نمود و اگر پا را فراتر از آن بگذاریم قطعاً ناقض حقوق شهروندان خواهیم بود. از زندگی و سخنان امام علی (ع) می‌توان شاهد خوبی برای جلوگیری از اعمال سلیقه شخصی نشان داد. امام در خطبه ای فرمودند: "خداوند حدودی را مقرر فرموده است پس از آنها تجاوز نکنید" و نیز نقل گردیده: امام به قنبر دستور دادند بر مردی حد جاری کند، قنبر به سبب ناراحتی ۳ ضربه بیشتر از مجازات معینه بر مجرم وارد کرد. امام ۳ ضربه بر قنبر به خاطر تعدی از حد جاری ساختند سخن و عمل امام دقیقاً بیانگر جلوگیری از اعمال سلیقه در برخورد با شهروندان و مجرمان است. جلوگیری از اعمال خشونت به حقی اشاره می‌کند که هم در منشور جهانی سازمان ملل به آن اشاره شده و هم در کنفرانس متفکران اسلامی به عنوان یکی از حقوق اساسی جامعه و شهروندان بر شمرده شده است. دین اسلام نیز بر جلوگیری و منع شکنجه تأکید بسیار دارد. اصل برائت متهم در زمانی که مدرک مستدل علیه وی نیست نیز ناظر به حق امنیت جامعه و شهروندان است. جز در بستر امنیت و نظم اجتماعی و قانون؛ رشد، بالندگی و سیر به سوی کمال معنی نمی‌یابد و هیچ چیز مانند عدم امنیت و فقدان نظم اجتماعی و بی قانونی به جوامع انسانی آسیب نمی‌زند حفظ حق امنیت شهروندان و رعایت آن به عوامل متعددی مربوط می‌شود که به اشاره از آن می‌گذریم. آنچه موجب حفظ امنیت جامعه و پاس داشتن حرمتها می‌شود، یا عقل است یا اخلاق یا دیانت یا حکومت، که در این میان حکومت اساسی ترین نقش را دارد؛ زیرا در صورت انحراف در عوامل دیگر آنها نقش خود را در این ساحت از دست می‌دهند، اما نظم آفرینی و پاسداری از حرمت و حقوق مردم و ایجاد امنیت و اجرای قانون ملازم هر حکومتی است. بنابراین بر قوه قضاییه به عنوان یکی از قوای ۳ گانه کشور است که حرمت و حقوق شهروندان (از جمله حق دفاع متهمان و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس) را بشناسد و رعایت کند و ضامن ایجاد امنیت و اجرای قانون باشد. مسلماً چنانچه متهم بتواند از

وکیل استفاده نماید، دستگاه قضایی نیز به کمک تخصص وکیل، بهتر می‌تواند سره را از ناسره جدا نماید و احتمال این که متهمی به ناحق مجرم شناخته شود، به حداقل می‌رسد و اصل کرامت رعایت خواهد شد. (۲)

واژه شناسی:

شهروند به کسی اطلاق می‌شود که تحت الحمایه حکومتی باشد و قوانین و مقررات آن حکومت را به رسمیت بشناسد و جزو جامعه ای محسوب گردد که دولت تمام امتیازات و حقوق آن جامعه را به تمام معنی قبول داشته باشد و در واقع دولت بخشی از آن جامعه به حساب آید. واژه شهروند رامیتوان معادل واژه citizen غربی دانست. « حق» سلطه ای است بر امری برای دارنده آن که برای طرف دیگر (من علیه الحق) ایجاد تعهد کند. همین معنا در قران کریم نیز آمده است: " و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطاناً؛ هر که ناروا کشته شود برای ولی او حقی قرار داده ایم" طبق این حق است که چنین کسی سلطه می‌یابد تا قصاص کند یا دیه بگیرد یا عفو کند. حق در فقه و حقوق نیز به همین معنا به کار رفته است. مثلاً حق خیار در باب معاملات این است که صاحب خیار می‌تواند معامله را فسخ کند، یعنی بر پاره کردن عقد معامله یا بر ابرام آن سلطه دارد. تعاریف مختلفی هم برای حقوق شهروندی ارائه شده است و آن این‌که: مجموع آزادی‌هایی که افراد یک جامعه از آن بهره مند هستند؛ اصطلاحاً حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق عمومی شهروندان یا حقوق بشر و شهروند می‌نامند. (۳)

جایگاه حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام:

مجموعه‌ای از حقوق محوری شهروند از دیدگاه اسلام به صورت مختصر عبارت است از:

۱) حق حیات:

اولین حقوق شهروندی که در اسلام مطرح و حائز اهمیت است حق حیات می‌باشد، چون تمام حقوق، به حیات انسان تعلق دارد. یعنی جان و حیات انسان محترم و کسی حق تعرض و تعدی به آن ندارد. و در باور و عقیده اسلامی، انسان تا حدی محترم و ارزشمند است، فلسفه وجود هستی بخاطر انسان است.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا». سوره بقره/۲۹

«خدا آن کسی است که همه موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفریده...». این مخلوق با کرامت، حق حیات از مسلم‌ترین حقوق اوست، و سلب حق حیات از او جایز نیست؛ مگر در مواردی که قانون اسلام تشخیص بدهد آن هم در محکمه‌ای که بر اساس عدالت حکم صادر گردد. سلب حق حیات یک فرد بدون جرم (قصاص، فساد) همانند قتل تمام بشریت است. یعنی مرگ شخصی در جامعه انسانی مرگ همه است؛ و حیات فردی همانند زنده کردن و حیات بخشیدن به جامعه است. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادًا فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا». سوره مائده/۳۲.

«از این رو بر فرزندان اسرائیل مقرر نمودیم که هر کس، کسی را جز به قصاص و قتل، یا کیفر فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته باشد، و هر کس، کسی را زنده بدارد، چنان است که همه مردم را زندگی داده باشد». و با ملاحظه مقاصد شریعت، به عمق و فلسفه حقوق شهروند و بشریت، بیشتر و بهتر متوجه می‌شویم؛ که شارع مقدس چه هدفی را تعقیب می‌کند. از دیدگاه امام غزالی، و استادش امام‌الحرمین و سایر علمای اصولی، مقاصد شریعت بر پنج اصل اساسی است. که مجموع حقوق شهروندی و حقوق بشر صادره از اعلامیه حقوق بشر، در راستای حفظ موارد پنج‌گانه است. و نادیده گرفتن حقوق انسانی و نقض حقوق، تعدی به یکی از این حقوق است و حقوق آنها عبارتند از:

(۱) حفظ دین

(۲) حفظ جان

(۳) حفظ عقل

(۴) حفظ نسل

(۵) حفظ مال، ملاحظه می‌کنیم که بعد از حفظ دین، به عنوان منشور زندگی حیات دنیای انسان؛ حفظ جان مطرح است و قصد شارع مقدس، حفظ جان انسانها است. و تمام حقوق، قوانین و مقررات دینی و غیر دینی همگی برای حفاظت از موارد چهارگانه فوق است.

در نظام اسلامی، شخص (شهروند) موجودی است که دارای حق و تکلیف است، به

عبارت دیگر دو عنصر تشکیل‌دهنده شخصیت انسان «حق و تکلیف» است. یعنی نظام اسلامی به همان اندازه از نظر دینی، سیاسی و اجتماعی تکالیفی را بر عهده انسان نهاده است، در مقابل آن مجموعه تعهداتی بنام «حقوق» در مقابل او برعهده دارد که اولین آن حق «حیات» است.

حقوق حیات جنین:

در نظام اسلامی، علاوه بر محترم بودن حق حیات، حق قبل از حیات دوران جنین هم محترم است. و پاسداری از آن بر عهده حقوق اسلامی است، به همین خاطر سقط جنین جرم محسوب می‌شود و حتی اموال و دارایی جنین هم مورد حمایت و پاسداری حقوق اسلامی است. تا در دوران جنینی و دوران کودکی، به سرمایه، ملک و ثروت او آسیبی وارد نشود که همان اصول چهارگانه مقاصد شریعت است. به همین خاطر است که ارث، وصیت، به جنین تعلق می‌گیرد و این بیانگر رعایت حقوق مادی او قبل از تولد، می‌باشد. (۴)

۲) حقوق اجتماعی شهروند در اسلام:

بعد از حق حیات، صاحب‌نظران مسائل حقوقی، و حقوق بشر، مجموعه‌ی حقوق انسان‌ها را در سه دسته تقسیم‌بندی می‌کنند که نظر دو نفر از صاحب‌نظران را نقل می‌کنیم: محمد مجتهد شبستری اصول و مواد و اعلامیه حقوق بشر را در سه اصل کلی دسته‌بندی نموده است:

- آزادی فکر، عقیده، بیان و اندیشه.

- مساودت همه انسان‌ها در حقوق و تکالیف.

- مشارکت همه انسان‌ها در ساختن زندگی اجتماعی.

دکتر عبدالکریم زیدان فقیه و حقوق دان، حقوق افراد در حکومت اسلامی به دو دسته تقسیم‌بندی می‌کند:

الف) حقوق سیاسی:

حقوق سیاسی از نظر حقوق دانان عبارتست از؛ حقوقی که شخص به اعتبار اینکه عضوی از یک مجموعه سیاسی است بدست می‌آورد. مانند حق انتخاب کردن،

درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی از منظر فقه و دین اسلام ■ ۴۸۳

- کاندید شدن و بر عهده گرفتن وظایف عمومی و مسئولیت اجتماعی،
- حق نظارت؛ حق نظارت از حقوق موکل بر وکیل است.
- حق مشورت؛ که در واقع دنباله حق اُمت در انتخاب رئیس حکومت است.
- حق عزل و برکناری رئیس دولت؛ مردم در جایگاه موکل و رئیس دولت در جایگاه وکیل، رابطه بین آنان.

(ب) حقوق عمومی:

حقوق عمومی به حقوقی گفته می‌شود که برای انسان به اعتبار اینکه فردی از جامعه است تعلق می‌گیرد، و نمی‌تواند از آن بی‌نیاز باشد و برای حراست از جان، مال و آزادی انسان وضع شده است.

۳) آزادی عقیده:

شاید یکی از حقوق شهروندان در نظام اسلامی بیشتر مورد توجه قرار گیرد، موضوع آزادی عقیده است. عقیده در اسلام آزاد است و کسی را به جرم عقیده نباید مورد آزار و اذیت قرار داد. و از نظر اسلام اکراهی در پذیرش عقیده نیست، دعوت به سوی اسلام به معنی اجبار به پذیرش اسلام نیست، اصولاً فراخوان و دعوت امری است طبیعی و هر فکر و اندیشه چنین حقی را دارا می‌باشد.

و از بیان روش دعوت اسلامی برمی‌آید که هیچ جبر و اکراهی در پذیرش نیست و عدم پذیرش هم تهدیدی متوجه فرد دعوت شونده نمی‌باشد.

«ادع الی سبیل ربک بالحکمۃ و الموعظۃ الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» نحل/۱۲۰.

«ای پیغمبر! مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان، و با ایشان به شیوه هر چه نیکوتر و بهتر گفتگو کن...».

چون در کار دین، و پذیرش دین اکراه و اجباری نیست. انتخاب و پذیرش و عدم پذیرش بیانگر آزادی در اسلام است.

«لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» بقره/۲۵۶.

«در کار دین اکراه روا نیست، چرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است.»

۴) آزادی بیان:

در مورد آزادی بیان، نظام اسلامی برای ابراز اندیشه و بیان؛ حق ویژه‌ای قائل است. خالق انسان همزمان با خلقت انسان یکی از نعمتهای مورد توجه بعد از خلقت انسان را نام ببرید و آن هم « بیان » است. «الرحمن * علم القرآن * خلق الإنسان * علمه البيان». «خداوند مهربان، قرآن را یاد داد، انسان را آفرید * به او بیان آموخت». بیان، سخن گفتن برای ابراز و اظهار مافی‌الضمیر و آنچه در دل دارد. موضوع بیان موضوعی صوری و نمایشی نیست؛ بلکه خداوند تمام نعمتهای وجودی را به انسان بخشیده تا در حد اعلا و در مسیر صحیح، از آنها به نفع خودش و جامعه بهره گیرد. و برای اینکه آموزش قرآن را مقدم آورده است؛ قرآن نعمت اصلی است و انسان در سایه آن از نعمتهای الهی بهره درست و صحیح می‌برد. و بیان و اندیشه اگر در سایه قرآن باشد، برای انسان مفید است. بیان اندیشه را آزاد گذاشته است، و شنیدن اندیشه دیگران و انتخاب صحیح را هم آزاد گذاشته و انسان را مختار کرده است. چون در نظام اسلامی فضای گفتگو آزاد است؛ اما به شرطی که بر اساس «حکمت و موعظه حسنه» باشد و حدود و مرز دیگران، اندیشه و عقیده دیگران را مورد تجاوز و تعدی قرار نگیرد. نص صریح قرآن آزادی بیان و گفت‌وگو را مشخص و معلوم نموده است. «فبشر عباد، الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه، اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوا الألباب». سوره زمر/۱۸. «مژده بده به بندگانم، آن کسانی که به همه سخنان گوش فرا می‌دهند، و از نیکوترین و زیباترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسانی که خدا هدایت‌شان بخشیده است و ایشان واقعاً خردمندند». در این آیه چند نکته اساسی به چشم می‌خورد: ۱) آزادی بیان برای تمام بندگان خدا، چون در آیه کلمه «قول» مراد هرگونه سخن و گفتاری است.

۲) گفتار و آزادی بیان و اندیشه یک طرفه نیست، فرد مسلمان هم اظهار نظر می‌کند، و هم به نظر دیگران گوش می‌دهد؛ و آثار دیگران را مطالعه می‌کند سپس قول احسن را برمی‌گزید اسلام حجر فرهنگی و فکری را برداشته، و انسان را به اظهار نظر و پذیرش نظر احسن دیگران تشویق می‌کند.

۳) عباد هدایت یافته و فرزانه، کسانی هستند که برای آراء و نظرات و اندیشه و قول دیگران گوش فرا می‌دهند. و در صورت برتری قول و نظر او بر قول خویش، آن را

بپذیرد. این نهایت آزادی بیان و اندیشه در اسلام است، و تمام انسانها را شامل می‌شود به شرط اینکه حقوق و حدود دیگران را رعایت نمایند. (۵)

مبانی:

شهروندی؛ حقوق و مسؤولیت: باتوجه به مطالبی که گفته شد، مشخص می‌شود که در مفهوم شهروندی، همزمان حقوق و تکالیفی متناسب برای هر یک از شهروندان در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس شهروندی در عین حال که مجموعه حقوقی را برای شهروندان معین می‌کند و آنها را بدون استثناء، بهره‌مند از این حقوق می‌داند، تکالیفی را نیز برای آنها متصور می‌شود که باید به آنها بپردازند. از دیگر سو این حقوق و تکالیف، لازم و ملزوم یکدیگرند و هیچ یک را نمی‌توان بدون دیگری تصور نمود. اساساً شهروند امروزی کسی است که وظایفش حقوقش را معین می‌کند و به همین سبب، شهروند مطلوب شهروندی است که مسؤولانه رفتار کند؛ یعنی در برابر حقوقش مسؤولیت‌پذیر باشد. حال که تا حدودی به مفاهیمی چون شهروندی و به‌ویژه حقوق شهروندی در گذشته و امروز پرداخته شد، جایگاه این حقوق در دین مبین اسلام بررسی می‌شود تا از این طریق مبانی حقوق شهروندی در اسلام شناخته گردد و نگاه متعالی اسلام به این طیف از حقوق مشخص شود. (۶)

عالی‌ترین نگاه در کامل‌ترین شریعت:

در مقام مقایسه جایگاه حقوق شهروندی در میان ادیان و مکاتب بشری، اسلام در عالی‌ترین مرتبه قرار دارد؛ چه آن‌که به انسان در مقام «خلیفه‌اللهی» حقوق و آزادی‌های اجتماعی را داده و در عین حال او را مسؤول و مکلف به شناختن خیر خود و دیگران دانسته است. اساساً در نظام حقوقی اسلام به‌طور کلی حق و تکلیف با هم وجود دارد. از دیگر سو در این نظام حقوقی، نوعی ضمانت اجرای تکلیفی و شرعی نیز به چشم می‌خورد نکته مهم دیگر این‌که در جامعه اسلامی همه شهروندان از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردارند و در تمام شؤون جامعه و حکومت مشارکت دارند که در این منظور، مفهوم شهروند حتی به غیر مسلمانان نیز اطلاق می‌شود. در خصوص مسؤولیت شهروندان مسلمان در جامعه در قبال یکدیگر پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید:

هرکس شب را به صبح برساند در حالی که به امور مسلمین اهتمام ندارد، از مسلمانان نیست. از دیگر سو از آن جهت که هدف اسلام، ساختن همه انسان‌ها و دعوت آنها به احراز مقام خلیفه الهی است، تعاون و همکاری در آن اهمیت به‌سزایی دارد، به‌طوری که در قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع حقوق اسلامی با آیاتی روبه‌رو می‌شویم که ما را به همکاری در کار خیر و عدم تعاون بر گناه و زشتی‌ها سفارش می‌کند، که به خوبی، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه خود و مشارکت جمعی در سرنوشت جامعه است. (۶)

ضمانت اجراهای متفاوت: بی‌شک در هر نظام حقوقی یک سری ضمانت‌های اجرایی وجود دارد. خوشبختانه در نظام حقوقی اسلام علاوه بر ضمانت اجراهای بیرونی، ضمانت اجراهای درونی نیز وجود دارد. همان‌طور که می‌دانیم، برای ارتقای ضریب اعتماد متقابل میان شهروندان، ضروری است که پای‌بندی عملی آنان به حقوق شهروندی در عمل و سلوک فردی و اجتماعی آنان متجلی باشد؛ در همین خصوص در شریعت اسلام از مسلمانان به‌عنوان شهروندان یک جامعه مبتنی بر آموزه‌های اسلامی خواسته شده همیشه در کارها به یاد خدا باشند و در کارهایشان انگیزه *قربه الی...* را حفظ کنند. همین باور اعتقادی و قلبی مهم‌ترین تجلی آن ضمانت اجرای درونی است که در صورت وجود، از هر نوع ضمانت اجرای بیرونی قوی‌تر و تأثیرگذارتر است و مسؤولان نیز باید زمینه بروز آن را در جامعه بیش از پیش فراهم کنند (۷). تأکید اسلام بر تحقق انتظارات خود از شهروندان از طریق تربیت و درآمیختن حقوق با اخلاق و نیز درآمیختن آگاهی و شعور اجتماعی با تقوا، آزادی با عدالت، پرسش‌گری با بی‌غرضی، مدارا با انصاف و نیز پاسخ‌گویی با حسن ظن است. «از همین جا و در سایه چنین نگاهی است که با قاطعیت می‌توان گفت: مسؤولیت تکتک شهروندان مسلمان نسبت به مصالح عموم و فرد فرد همشهریان خود، کانونی‌ترین نقش را در تعریف و تحقق مفهوم شهروندی دارد و اسلام این معنا را با تأکید بر مفهوم «ولایت» متقابل شهروندان بر یکدیگر مورد تنفیذ قرار داده، به‌گونه‌ای که پای‌بندی به این تکلیف اساساً شرط ایمان است. (۸)

اشاره به دو اصل مهم: در خصوص مبانی حقوق شهروندی در دین مبین اسلام هم البته حرف بسیار زده شده و مقالات و کتب بی‌شماری نیز به زیور طبع آراسته شده است اما نباید از دو اصل مهم غفلت کرد.

۱- **کرامت انسانی** بی‌شک یکی از پایه‌های اعتقادی در نظام اسلامی، اصل کرامت و ارزش والای آدمی به‌عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین می‌باشد که این اصل انسان را موجودی با ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالایی از تعالی و تکامل متصور می‌سازد که با توانایی نامحدود خود و استعدادی که خدای متعال در وجود او نهاده است، می‌تواند تا بالاترین درجات کمال الهی رشد کرده و ارتقا یابد. اهمیت کرامت انسانی به‌خوبی در آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء آمده است که در این آیه خداوند می‌فرماید: «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.» (۹) در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این مسأله اشاره شده است و به‌ویژه در بند شش اصل دوم قانون اساسی از «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» به عنوان یکی از پایه‌های اصل نظام جمهوری اسلامی ایران نام برده شده است.» (۱۰)

۲- نظارت همگانی بی‌تردید کامل‌ترین نظام سیاسی، نظامی است که در درون خود عوامل تضمین بقا را داشته باشد و بتواند با عواملی که جزء عناصر آن نظام است، زمینه رشد عوامل منفی را در درون خویش منتفی سازد و از مصونیت ذاتی در برابر چنین خطرات عظیمی برخوردار گردد و دین مبین اسلام به وضوح دارای این خصیصه پرفایده است. اصل اسلامی نظارت عمومی و همه‌مسئول هم بودن، وظیفه همگانی و متقابل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر که در آیه یکصد و دهم سوره مبارکه آل عمران به آن اشاره شده است، در حقیقت به نظام اسلامی چنان توانایی را می‌بخشد که به‌صورت مداوم سطح آگاهی‌های مردم و کارآیی و قدرت داخلی را تا آن حد بالا ببرد که هرگز قدرتش به فساد کشیده نشود. از همین روست که اصل هشتم قانون اساسی چنین مقرر می‌دارد که: «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.» (۱۱)

نتیجه:

در این پژوهش به حقوق شهروندی در دین مقدس اسلام پرداخته شد و نتایج و رهیافت‌های ذیل به دست آمده است:

- ۱- جامعه انسانی را نمی‌توان به مانند موجود واحد زنده‌ای فرض کرد که از طریق نیروی هدایت‌کننده دولت، در جهت خیر و صلاح هدایت می‌شود. در جامعه، ارزشها و نقش‌ها و خلاقیت‌های اجتماعی در وجود افراد به ظهور می‌رسد و رشد آن به نوبه خود از هدف‌های اصیل و قابل توجه زندگی انسانها است.
- ۲- اسلام حقوقی را برای فرد برشمرده است که توجه به آنها می‌تواند، شناخت و بصیرت انسان را برای ایجاد ارتباط درست و منطقی با دولت و همچنین در ارتباط با افراد دیگر اجتماع، افزایش دهد و موجب سلامت و اعتدال جامعه گردد.
- ۳- در جامعه اسلامی رعایت حق و عدالت، اساس نظام اجتماعی است. چرا که اسلام دینی است که بنیان آن بر اساس تعادل شکل گرفته، به همین جهت انسانها را از افراط و تفریط در همه شئون زندگی برحذر می‌دارد، تا آنچه مربوط به امور فردی انسان می‌باشد، در آن تعادل برقرار گردد.
- ۴- طبق اعلامیه حقوق بشر در مورد حقوق شهروندی هر امری که توسط قانون منع نشده است، نمی‌توان از انجام آن جلوگیری نمود و نمی‌توان کسی را به انجام آنچه که حکم نشده، مجبور ساخت.
- ۵- دین اسلام مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها را برای تأمین و حفظ حقوق انسانی تدوین کرده است، که بایدها راه تأمین حقوق و نبایدها نشان دهنده موانع و آفات حقوق هستند.

منابع و ماخذ:

- ۱- جمشیدی، محمد حسین، اندیشه‌های سیاسی شهید رابع امام سید محمد باقر صدر، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷
- ۲- مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه حقوقی اسلام، به نگارش محمد مهدی نادری قمی، ۱۳۸۸
- ۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۳۴، تهران، چاپخانه دولتی ایران، ۱۳۴۱
- ۴- حیدری نراقی، علی محمد، رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، شرح نراقی، انتشارات مهدی نراقی، ۱۳۸۵
- ۵- مبانی حقوق شهروندی، روزنامه همشهری، مورخ ۸۴/۵/۲۲، مقاله‌ای از حامد صالحی
- ۶- فریدون وردی‌نژاد، قانون اساسی و حقوق شهروندان، مجموعه مقالات جمهوریت و انقلاب اسلامی، صص ۳۲۴-۱۳۷۷، ۳۲۵
- ۷- مائده، ۲
- ۸- داعی نژاد، سید محمد علی، ایمان و آزادی در قرآن، تهران، انتشارات کانون اندیشه، ۱۳۸۹
- ۱۰- همچنین در اصل سوم قانون اساسی آمده است: «... دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف می‌داند که همه امکانات خود را در جهت ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی مصروف دارد
- ۱۱- عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۱: حقوق سیاسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، تهران، صص ۲۴۱، ۱۳۸۶، ۲۴۲

